

Logical Fallacies 2

مغالطات منطقی ۲

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم.

تعداد مغالطات منطقی بسیار زیاد است. در این دوره آموزشی به مغالطات مهم و پر کاربرد می پردازیم. افراد برای برنده شدن در بحث از مغالطات استفاده می کنند. مغالطات حقه های کثیفی هستند که باید از آنها پرهیز کرد.

در جلسه گذشته در باره مغالطه علت جعلی و مغالطه مصادره به مطلوب صحبت کردیم. مثال دیگری که میتوان برای مصادره به مطلوب آورد این است:

- حق این است که قاچاقچیان مواد مخدر اعدام شوند، چون کسانی که تجارتشان بر پایه نابود کردن زندگی دیگران است، اصلا حق زندگی ندارند.

برای شناسایی مغالطه مصادره به مطلوب، بهتر است ابتدا مقدمات و نتیجه یک استدلال را مشخص کنیم و در مرحله بعد این مسئله را بررسی کنیم که آیا بدون پذیرش نتیجه و با رد کردن آن، امکان پذیرش مقدمات وجود دارد یا نه. در صورتی که با قبول نکردن نتایج، مقدمات هم نقض شوند، در این صورت استدلال حاوی مغالطه مصادره به مطلوب است.

مثال دیگری برای مصادره به مطلوب:

رضا - شرط پایداری پیوند زناشویی این است که طرفین هنگام عقد قرارداد ازدواج باکره باشند.

مینا - چطور می‌توانی چنین چیزی را اثبات کنی؟

رضا - چون وقتی زن و مرد باکره باشند، ازدواجشان پایدار می‌ماند.

مغالطه حمله به شخص (Ad Hominem)

این مغالطه زمانی بکار گرفته میشود که بجای سنجش دلایلی که یک شخص در بحث خود مطرح میکند، به یکی از ویژگیهای او که هیچ ارتباطی به موضوع بحث ندارد، اشاره کنیم و از این طریق به شخص حمله کنیم. این مغالطه زمانی رخ می‌دهد که شخص استدلال معینی اقامه می‌کند و درباره موضوعی سخن می‌گوید و دیگری که از پیش با او خصومت داشته، به جای نقد با گفتن ناسزا درباره شخصیت وی، می‌کوشد با مخدوش کردن شخصیت او و منفور ساختن وی، استدلالش را باطل نماید. جنبه مغالطی توهین در آن است که اصل استدلال کنار نهاده شده و معیار دیگری برای نقد ادعا به کار گرفته شده است که منطقاً هیچ ارتباطی به ادعا ندارد:

- هنوز هم هستند کسانی که می‌گویند عراقی شاعر بزرگی است؛ در حالی که دیگر در تاریخ ادبیات ما مسلم است که عراقی انحرافات جنسی داشته است.

مثال دیگر از مغالطه حمله به شخص:

- از کسانی که ریش خود را می‌تراشند نخواهید در باره اسلام نظر درست بدهند.

اگر کسی در پاسخ به استدلال یک نفر، فارغ از محتوا و کیفیت استدلال او به دیدگاهها، مشخصه های شخصیتی، علایق، جنسیت، سوابق، رفتارها و دیگر موارد غیر مرتبط در زندگی او اشاره کند، دچار مغالطه حمله به شخص شده است.

افراد فریبکار، هنگامی که با استدلالی معقول مواجه می‌شوند، استدلال را نادیده می‌گیرند و در عوض به دنبال راهی برای حمله شخصی به استدلال‌کننده می‌گردند. ناسزاگویی (حتی لجن‌پراکنی) غالباً کارآمد است؛ البته بستگی دارد که چطور از آن استفاده شود. استادان فن فریب به خوبی می‌دانند که مخاطبشان در مقابل چه چیزی موضع می‌گیرد و مخالفان خودشان را تلویحاً به پشتیبانی از آن چیز متهم می‌کنند. برای مثال، به مخالفانشان برچسب کمونیسم یا الحاد می‌زنند، یا می‌گویند که پشتیبان تروریسم است یا همجنس‌گرا یا جاسوس است.

مثالی دیگر از مغالطه حمله به شخص:

- تو با فاصله طبقاتی مخالف هستی.
- کمونیست ها مخالف فاصله طبقاتی هستند.
- پس تو کمونیست هستی.

مثالی دیگر از مغالطه حمله به شخص:

- تو با جمهوری اسلامی مخالف هستی.
- مجاهدین خلق هم با جمهوری اسلامی مخالف هستند.
- پس تو مجاهد خلق هستی.

مثالی دیگر برای مغالطه حمله به شخص:

- من با این نظر که رهبران مذهب محافظ داشته باشند مخالف هستم. فراموش نشود اولین کسی که در تاریخ اسلام محافظ شخصی داشت معاویه بود.
- وقتی کسی خطایی را گوشزد می کند بگوییم تو خودت در گذشته فلان کار را کرده ای.

در شکل دیگری از این مغالطه سعی میشود مورد نقضی در اعمال و رفتار گوینده یافت شود تا او را تخطئه کنند. این مغالطه زمانی استفاده میشود که در جواب کسی که تذکری می دهد بگوییم تو خودت هم چنین و چنانی.

- وقتی در کمیسیون حقوق بشر نماینده آلمان از رفتار جمهوری اسلامی با معترضان انتقاد کرد، نماینده جمهوری اسلامی در باره آلمان در دوره نازی ها صحبت کرد.
- به کسی می گوییم سیگار نکشد و او در جواب می گوید پدر شما هم سیگاری بود.
- از رییس جمهور بخاطر اختلاس انتقاد می شود و او در جواب می گوید در زمان رییس جمهور های قبل هم اختلاس شده است.
- از پوتین بخاطر حمله به اوکراین انتقاد شد. با توسل به مغالطه «تو هم چنانی» جواب داد: آمریکا هم به عراق حمله کرد.

مغالطه تمسک یا توسل به جهل Argument from Ignorance

اگر بگوییم : فلانی آدم خوبی است چون من از او بدی ندیدم. حرف درست و منطقی نزنه ایم. مطرح کردن این مسئله به این صورت که چون برای نادرست بودن چیزی شواهدی نداریم، دلیل قانع کننده ای است که آن را درست بدانیم از جمله مغالطات منطقی است که با عنوان مغالطه تمسک یا توسل به جهل شناخته می‌شود.

اگر ادعا کنیم که چون کسی با این نظر مخالفت نکرده، پس این نظر درست است دچار مغالطه شده ایم. همچنین اگر ادعا کنیم فلانی آدم راستگویی است، چون من از او دروغ نشنیده ام باز دچار مغالطه شده ایم.

چند مثال دیگر:

- کرونا هرگز از حیوان به انسان منتقل نمی‌شود، چون تاکنون هیچ گزارشی در این زمینه منتشر نشده است.
- حیات در دیگر کرات وجود ندارد، چون اگر وجود داشت تا کنون کشف شده بود.
- طب سنتی هیچ ضرری برای انسان ندارد، چون تا بحال کسی چنین چیزی را اثبات نکرده است.
- فلانی انسان موجهی است، من سی سال است که او را می‌شناسم و هیچ خلافی از او ندیده ام.
- کسانی که وجود خدا را انکار میکنند گرفتار همین مغلطه هستند. اینکه کسی بگوید خدا نیست چون من نشانه ای و دلیلی برای وجودش ندارم همین اشکال را دارد. یادمان باشد، چیزی را که نمی‌فهمیم یا نمی‌دانیم انکار نکنیم.